

## عنوان مقاله:

بررسی شعر سهراب سپهری و جبران خلیل جبران با رویکرد به تحول شعر فارسی و عربی

## محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش های تطبیقی در آن (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسندگان:

محسن مومن - استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

فروغ شیرواند - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر دبیرستان های اصفهان

الهام رضاییان ورمزیار - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

## خلاصه مقاله:

ادبیات تطبیقی یا هم سنجشی شاخه ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل و زبان های مختلف و از تعامل میان ادبیات ملت ها با یکدیگر سخن می گوید. در این مقاله به روش تاریخی و مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه ای مبانی اندیشه سهراب سپهری و جبران خلیل جبران که در شعر آنان تجلی یافته، مورد بررسی قرار گرفته است. تحول و تجدد واقعی در شعر فارسی با پیشگامی نیما یوشیج و تقریباً هم زمان با او، در شعر عربی با ظهور خانم نازک الملائکه، آغاز شد. نیما و نازک الملائکه آغازگر سرودن شعر در وزنهای آزاد بودند که با نوآوری خود به شعر کمال و نظام بخشیدند. با این وجود، وزن و قافیه را لازمه شعر می دانستند و با آن مخالف نبودند بلکه مانند گذشته، انقیاد شعر را در تسلط موسیقی، نمی پذیرند. انتقال خیال انگیزی های شعر از زبانی به زبان دیگر بسیار دشوار است و کاستی هایی اجتناب ناپذیر رخ می نماید و البته بر گردان شعر همچون زبانی اصلی دلنشین می شود. جبران خلیل جبران در آثار نظم و نثر خود از افراط و تفریط های ناپسند ادبیات عرب جاهلی پرهیز کرده و البته جوهره شعر او با بن مایه های شعر سهراب سپهری از جنبه های عرفانی همگون بود. سپهری و جبران هر دو به حزن و اندوه گرایش داشتند و معتقد بودند که حزن روح آدمی را صیقل میدهد و آن را صاف و شفاف میکند به طوری که میتوان وجود ناشناخته های انسان را از این طریق شناخت. هم اکنون در ادامه تعامل فرهنگی، ضرورت های مذهبی و سیاسی ایجاب می کند که در ایران اسلامی زبان عربی در حوزه های علمی و تا بالاترین سطوح دانشگاهی تدریس می شود.

## کلمات کلیدی:

ادبیات تطبیقی، نیما یوشیج، نازک الملائکه، سهراب سپهری، جبران خلیل جبران، تحول شعر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/605092>

